

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی یری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۱۲ جنوری ۲۰۱۶

به سوی فروپاشی عربستان سعودی

Vers l'effondrement de l'Arabie saoudite

در وضعیتی که سعودی ها آخرین روزهای دیکتاتوری شان را می گذرانند، بریدن سر رهبر اپوزیسیون، **نمر باقر النمر** نیمی از مردم سعودی را از هر امیدی محروم ساخت. از دیدگاه تی یری میسان، سقوط رژیم پادشاهی به مرحله اجتناب ناپذیر رسیده است. سقوط رژیم سعودی با دوران بسیار خشونت باری هم راه خواهد بود.

شبکه ولتر / دمشق (سوریه) / ۱۱ جنوری ۲۰۱۶



شاهزاده محمد بن سلمان آل سعود، ۳۰ ساله، ولیعهد جانشین، دومین نخست وزیر جانشین، وزیر دولت، وزیر دفاع، دبیر کل دربار پادشاهی، رئیس شورای امور اقتصادی و توسعه.

طی یک سال پادشاه جدید عربستان، سلمان، بیست و پنجمین پسر بنیانگذار سلسله در تثبیت اقتدار شخصی اش توفیق به دست آورد، البته به بهای تضعیف دیگر شاخ و برگ های خانواده از جمله طائفه شاهزاده بندر بن سلطان و طائفه عبدالله پادشاه قدیمی. با وجود این، نمی دانیم و اشنگن با بازندگان دربار سعودی چه قول و قراری گذاشته است تا در صدد بازپس گیری قدرت از دست رفته شان نباشند. ولی انتشار نامه های بی نام و نشان در رسانه های بریتانیایی حاکی از این امر است که بازندگان شطرنج سیاسی دربار سعود از بلند پروازی های خودشان صرف نظر نکرده اند.

زیر فشار برادرانش، شاه سلمان شاهزاده محمد بن نایف را به عنوان ولیعهد برگزید، ولی فوراً او را منزوی ساخت و صلاحیت او را به نفع پسر خودش شاهزاده محمد بن سلمان محدود کرد. شاهزاده محمد بن سلمان نیز در تصمیم های عجولانه و در واکنش های آنی و خشونت آمیزش مانعی مثل شورای خانواده را بر سر راه خود نمی بیند زیرا که این شورا دیگر تشکیل نمی گردد. عملاً او و پدرش به تنهایی و به عنوان دیوان سالار مطلق حکومت می کنند و هیچ

قدرت دیگری که از سوی پارلمان انتخاب شده باشد وجود ندارد، یعنی پارلمانی که هرگز وجود نداشته به انضمام ممنوعیت احزاب که در واقع همیشه ممنوع بوده است.

بر این اساس دیدیم که شاهزاده محمد بن سلمان ریاست شورای اقتصادی و توسعه را به عهده گرفت و رویکردهای جدیدی را به گروه بن لادن تحمیل کرد و سپس شرکت ملی نفت عربستان (سعودی آرامکو) را به تصاحب خود در آورد. در هر مورد، او عموزاده هایش را باید برکنار می کرد تا در رأس شرکت های بزرگ دربار سلطنتی مردان مطیع دیگری را جایگزین کند.



شیخ نمر باقر النمر زندگی شیعیان در عربستان سعودی را به این شکل ترسیم می کرد: «به محض این که پا به دنیا می گذارید و متولد می شوید، به محاصره ترس و وحشت و آزار و اذیت در می آید و قربانی سوء استفاده های قدرت حاکم می شوید. ما در فضای تهدید به دنیا آمده ایم. از دیوار هم می ترسیم. چه کسی از ما با تهدید و بی عدالتی در این کشور بیگانه بوده است؟ من ۵۵ ساله هستم، بیش از نیم قرن زندگی کرده ام. از روزی که به دنیا آمدم تا امروز هرگز در این کشور احساس امنیت نداشته ام. شما همیشه به چیزی متهم هستید. و همیشه در تهدید به سر می برید. رئیس امور امنیتی دولت در حضور خود این موضوع را پذیرفت. وقتی من را بازداشت کردند، به من گفت: «همه شما شیعه ها را باید بکشند». منطق آنها همین است.»

در زمینه سیاست داخلی، رژیم تنها روی نیمی از جمعیت سنی مذهب یا وهابی تکیه دارد، و نیمه دیگر جمعیت عربستان قربانی تبعیض هستند. شاهزاده محمد بن سلمان به پدرش توصیه کرد که شیخ نمر باقر النمر را گردن بزند زیرا او نسبت به پادشاه جسارت کرده است. به عبارت دیگر، دولت رهبر اپوزیسیون را به مرگ محکوم کرد و گردنش را زد تنها به این دلیل که در تکرار شعار «استبداد غیر قانونی است» پا فشاری کرده بوده است. شیعه بودن این رهبر احساس تبعیض را نزد نیمی از جمعیت کشور بیش از پیش تحریک کرده، ممنوعیت در آموزش مذهبی و ممنوعیت در اشتغال به حرفه های دولتی. در مورد غیر مسلمانان که یک سوم جمعیت را تشکیل می دهند، حق اجرای آئین مذهبی نداشته و از داشتن ملیت سعودی محروم هستند.



سعد حریری، با ملیت مضاعف لبنانی و سعودی، رهبر جریان سیاسی المستقبل. رسماً پسر رفیق حریری و به شکل غیر رسمی شاهزاده خانواده سلطنتی سعودی.

در سطح بین المللی، شاهزاده محمد و پدرش شاه سلمان سیاستی را هدایت می کنند که روی قبائل بادیه نشینان عربستان بنیانگذاری شده است. تنها با شناخت چنین موضوعی است که می توانیم تداوم تأمین مالی طالبان افغان و جریان سیاسی المستقبل در لبنان، سرکوب انقلاب بحرین، پشتیبانی از جهاد طلبان در عراق و سوریه، و حمله به یمن را درک کنیم. سعودی ها همواره از سنی هائی که به وهابیت نزدیک می دانند پشتیبانی می کنند، ولی از سوی دیگر نه تنها علیه شیعیان دوازده امامی، بلکه مقدماتاً علیه سنی های روشنفکر هستند، سپس علیه تمام مذاهب دیگر (اسماعیلی، زیدی، علوی، دروز، سک ها، کاتولیک ها، ارتدکس ها، شبتائی ها، ایزدی ها، زرتشتی ها، هندوها و غیره...) به ویژه، در تمام موارد به طور اخص از رهبرانی که به قبائل بزرگ سنی مذهب سعودی تعلق دارند، پشتیبانی می کنند.

به طور مختصر باید یادآوری کنیم که قتل شیخ نمر باقر النمر پس از اعلان ایجاد اتحادیه بزرگ ضد تروریستی ۳۴ دولت پیرامون ریاض صورت گرفت. با آگاهی به این امر که مقتول همیشه کاربرد خشونت را محکوم کرده ولی به جرم «تروریسم» محکوم به مرگ شده است. باید دانست که این اتحادیه ضد تروریستی در واقع اتحاد سنی علیه تمام مذاهب دیگر است.

شاهزاده محمد به مسؤولیت خودش جنگ علیه یمن را آغاز کرد، ابتداء با این ادعا که می خواهد به نجات رئیس جمهور عبد الربہ منصور الهادی بشتابد که توسط اتحاد بین حوثی ها و ارتش رئیس جمهور سابق علی عبدالله صالح سرنگون شده بود، ولی در واقع هدفش تصاحب ذخائر نفتی و بهره برداری مشترک با اسرائیل بود. همان گونه که می توانستیم پیشبینی کنیم، جنگ به کام شاهزاده پیش نرفت و شورشیان وارد مرزهای عربستان سعودی شدند و ارتش سعودی با برجا گذاشتن تجهیزات نظامی فرار کردند.

عربستان سعودی تنها دولت در تمام جهان است که ملک شخصی یک نفر است و توسط یک دیوان سالار اداره می شود، و هیچ گونه بحث ایدئولوژیک یا تشکلات اپوزیسیون را نیز بر نمی تابد و تنها تبعیت قبائل را می پذیرد. آنچه از مدت ها پیش به عنوان رسوبات گذشته باز شناسی شده بود، اکنون دوباره فراخوانده شده تا با جهان مدرن انطباق یابد، و در نتیجه انجامد و ارتجاع به هویت سلسله سلطنتی تبدیل شده است.

سقوط کاخ سعودی ها می تواند با کاهش بهای نفت تحریک شود. در نبود قابلیت اصلاحاتی برای ادامه حیاتش، دستگاه سلطنتی به شکل غیر محتاطانه ای قرض می گیرد، بر اساس گمانه زنی های تحلیل گران امور مالی، از حالا تا دو سال دیگر با ورشکستگی روبه رو خواهد شد. فروش جزئی آمارکو (شرکت ملی نفت سعودی) می تواند این بازه زمانی را برای فروپاشی به تأخیر بیندازد، ولی به بهای از دست دادن خود گردانی.

گردن زدن شیخ نمر باقر النمر از آن نوع بوالهوسی هائی بود که سقوط سعودی ها را اجتناب ناپذیر ساخت زیرا هیچ امیدی برای آنهایی که در این کشور زندگی می کنند، باقی نگذاشت. در نتیجه کشور در مجموعه ای از شورش های قبیله ای و انقلاب های اجتماعی گرفتار خواهد شد که مرگبارتر از جنگ های پیشین در خاورمیانه خواهد بود.

دور از مخالفت با چنین پایان تراژیک، حامیان امریکائی رژیم سلطنت سعودی با بی صبری انتظار می کشند. دائماً از «خرمدندی» شاهزاده محمد تجلیل به عمل می آورند تا او را بیش از پیش به اشتباهات بیشتری تشویق کنند. در سپتامبر ۲۰۰۱، هیأت رئیسه ستاد فرماندهی روی ترسیم مجدد «خاورمیانه بزرگ» کار می کرد و تقسیم عربستان را به ۵ کشور پیشبینی کرده بود. در حالی که در جولای ۲۰۰۲، طی گردهمایی مشهور Defense Policy Board واشنگتن به خلاص کردن خودش از سعودی ها می اندیشید، امروز این مسأله تنها به گذشت زمان بستگی دارد.

به یاد داشته باشیم :

۱) ایالات متحده مسأله جانشینی شاه عبدالله را با موفقیت حل کرد، ولی امروز در پی تشویق عربستان به ارتکاب اشتباه است. هدف امریکا از این پس تجزیه عربستان به ۵ کشور است.

۲) وهابیت مذهب رسمی دولت است، ولی سعودی ها در داخل و خارج تنها روی قبائل سنی تکیه می کنند و در مورد بقیه تبعیض قائل می شود.

۳) شاه سلمان هشتاد ساله قدرت را به یکی از پسرهایش یعنی شاهزاده محمد ۳۰ ساله سپرده است. شاهزاده محمد شرکت های بزرگ کشور را تصاحب کرد و علیه یمن لشکرکشی کرد، و سپس رهبر اپوزیسیون سعودی ها شیخ نمر باقر النمر را نیز گردن زد.

ترجمه توسط حمید محوی

یادداشت:

ما را عقیده بر آن است که در عصر کنونی، برای تمام زمامداران و حاکمان سراسر گیتی اعم از مسلمان، یهود، مسیحیت و غیر آن، تعلقات مذهبی کمترین ارزشی نداشته، آنجائی که آنها می خواهند پای ادیان و مذاهب را به میان آورند، هدف آنها استفاده ابزاری از دین و مذهب جهت تحمیل توده های بی اطلاع از عمق قضایا می باشد.

به همین اساس، درگیری های فعلی در خاورمیانه که در ظاهر کاریکاتوری از قطب شیعه و سنی را به نمایش می گذارد، چیزی نیست به جز تلاش قدرت های رقیب منطقه از جمله ایران، عربستان سعودی، ترکیه و با یک کوشه چشم پاکستان، جهت احراز کرسی "ژاندارم منطقه" که از زمان سقوط شاه ایران تا کنون بی صاحب مانده است.

تاریخ گواه و مؤید این ادعای ما در رابطه با تمام کشور های نامبرده می باشد، چنانچه به همان سانی که دستان رژیم های عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در ضمن کشتن شیعه ها، به خون افراد سنی نیز آغشته است، قربانیان سیاست های ضد انسانی آخوندی ایران از بین شیعه مذہبان اگر چند برابر قربانیان پیرو تسنن نباشد، در دو و سه چند بودن آن هیچ جای شکی وجود ندارد. این رژیم ها برای دوام سلطه اهریمنی شان با هم در تقابل قراردارند و مذهب را تنها وسیله ای جهت رسیدن به اهداف شان مورد استفاده قرار می دهند.

اداره پورتال AA-AA